

برنامه های هفته حکمت

صفحه ۴

هنجارشکن بازداشت شده و در مقابل ورزشگاه آزادی در قفس آهنی سوزانده شود!"

به نظر شما کدامیک از این برخوردها جامعه ایران را نمایندگی می کند؟ بچه های تیم های بسکتبال یا روزنامه ی قانون

و این حزب الهی مریض؟

کسی هست شک کند که اولی نماینده روحیه جامعه ای است که ظرفیت عظیمی از ازادخواهی و برابری طلبی را در خود آشکار و پنهان دارد! ... صفحه ۲

جمهوری اسلامی

مسئول جان و سلامت

زندانی سیاسی

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی صفحه ۴

ابعاد جهانی است، برگزار میشود. برای شناختن درافزوده های منصور حکمت به مارکسیسم خوب است به دو دوره تاریخی نگاهی بیندازیم. دوره قبل از فروپاشی بلوک شرق، دوره ای که عدالتخواهی، برابری طلبی، انساندوستی در دنیا خود را با کمونیسم تداعی میکرد، دوره ای که هر جریان معترضی از مدافعین حق زن تا مخالفین جنگ، از جنبش روشنفکران معترض تا ... صفحه ۳



بچه ها متشکریم!

مظفر محمدی

تعداد دخترانی که به این شکل در مسابقات فوتبال حضور می یابند خیلی زیاد است. تماشاگرانی که از حضور این دختران با خبر می شوند، با غرور و افتخار آنها را پذیرا می شوند. مواردی هم هست که نیروی انتظامی این دختران را در ورزشگاه بازداشت و از ادامه حضور آنها ممانعت به عمل می آورد.

یکی از روزنامه های تهران "قانون" در مورد حضور یک دختر در مسابقه اخیر پرسپولیس- راه آهن، از زبان یک حزب الهی و شاید یک مردسالار مریض، می نویسد: "باید این دختر

"حس خوبیه"، "بچه ها متشکریم" ... اینها بخشی از کامنت هایی است که در زیر خبر مسابقه بسکتبال دو تیم دانشکده های مکانیک و کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان آمده است. در این مسابقه نهایی "فینال"، بازیکنان به اعتراض ممانعت حراست از حضور دانشجویان دختر در ورزشگاه، از برگزاری مسابقه خودداری کردند!

در همین مدت، در مسابقه فوتبال باشگاه های پرسپولیس و راه آهن در ورزشگاه آزادی تهران، دختری در لباس پسرانه در ورزشگاه حضور یافت. گفته می شود که

حکمتیست میپرسد:

چرا هفته حکمت؟



و تئورسین های خود را گرامی میدارند، آنها را معرفی میکنند، تجارب و سیاستهای آنها را تبلیغ میکنند و سعی میکنند نسلهای بعدی را با تئوری، سیاست و پراتیک اجتماعی آن آشنا کنند و بار آورند. طبیعی است حزب حکمتیست و هر دوستدار حکمت تلاش کند حکمت را بعنوان تئورسین و رهبر کمونیسم معاصر به دنیا معرفی کند. هفته حکمت با همین هدف به معرفی تئوری ها، درافزوده های منصور حکمت به مارکسیسم، درافزوده هایی که جواب مارکسیستی به معضلات امروز کاپیتالیسم در

حکمتیست: حزب حکمتیست هر سال هفته ای را به معرفی دستاوردهای منصور حکمت اختصاص داده است. تاریخ جنبش کمونیستی در جهان، علاوه بر حکمت، صاحب شخصیتها و رهبران فکری و عملی بیشمار است، سوال اینست که چه نیازی بازخوانی حکمت را در اولویت حزب قرار می دهد؟ سوال میشود چرا حزب بازخوانی مارکس یا لنین را در دستور نمیگذارد؟

خالد حاج محمدی: همه جنبشهای سیاسی در دنیا از راست تا چپ، رهبران، ایدئولوگها

حکمتیست ۱۱۴

۲۲ مه ۲۰۱۶ - ۳ خرداد ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

سر ستون



اروپای امن و

فاشیسم در ترکیه

نواد عبدللهی

و سرانجام "قانون لغو مصونیت قضایی نمایندگان" در مجلس ترکیه به تصویب رسید. میگویند که قرار است به موجب این قانون، بازداشت، محاکمه و اخراج مخالفین دولت اردوغان از پارلمان آغاز شود. اما این ظاهر ماجراست. کابوس عظیم تری بر محور این مانورها در راه است.

معلوم شد که تنها آلترناتیوی که ضامن "امنیت" منافع دول بورژوایی غرب در ترکیه باشد، چیزی جز یک دولت تماماً فاشیست با یک مجلس یکپارچه راست در خدمت آن نیست. برآستی نیز تنها چنین صف یکدستی از راست هار در ترکیه قادر است از عهده شلیک به سینه شهروندان معترض خود، سرکوب و دستگیری فعالین سیاسی و مدنی و همچنین مسدود کردن راه فرار میلیونها آواره جنگی در خاورمیانه برآید.

و ظاهراً باج دادن غرب به این طاعون بعنوان ژاندارم حفظ مرزهای اروپا، پایانی ندارد. با این وجود، خیلی زود، واقعیت ها نشان داد که تا چه حد منافع غرب به لطف استبداد دولتی در ترکیه و در سایه آن می زید. بستن روزنامه ها، دستگیری و کشتار فعالین سیاسی، شکار کمونیست ها و فعالین کارگری و ... کک حقوق بشر نیم بند دول اروپایی را هم نگزید؛ برآستی ترکیه بهشت سیاستمداران غربی پایبند به نسبیت سیاسی است. اینها در برابر هجوم یک دولت تمام عیار فاشیست به مردم بیگناه ترکیه کر و کور شده اند. ریس اتحادیه اروپا همین چندی پیش بود که مدال حقوق بشر را به گردن حکومت اردوغان آویزان کرد و بقیه هم مهر سکوت به لب دوختند و مشغول بند و بست شان هستند. ... صفحه ۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

بچه‌ها متشکریم...

از طرفی جمهوری اسلامی و اقلیتی از صاحبان ثروت و قدرت با حلقه‌ای از دستگاه‌های امنیتی محصور شده، مدام خود را در مقابل دریای نفرت عمومی کارگر و زن و جوان و پیر، محافظت می‌کند تا به حیات ننگینش ادامه دهد.

از طرف دیگر جامعه‌ای که در طول حیات این رژیم و نظام استبدادی از خودش، از حرمتش و از دستمزد و حقوق و آزادیهایش دفاع کرده است. جنگی طبقاتی و اجتماعی آشکار و نهان که شبانه روز بین این دو قطب جامعه در جریان بوده است.

اما کیست که نداند، بهترین دفاع تعرض است. جمهوری اسلامی مدام تعرض می‌کند تا حیات ننگینش را حفظ کند. تعرض می‌کند تا از موجودیت خود و از سرمایه و ثروت تصاحب و غصب کرده از جامعه دفاع کند.

جامعه ما هم به تعرض نیاز دارد. دفاع صرف کارساز نیست. شاید گفته شود که توازن قوا به نفع مردم نیست. به نفع کارگر و زن و جوان و شهروندان جامعه نیست. اما این توجیهی غیرواقعی است. نگاه کنید و ببینید چه نیروی عظیم و چه ظرفیت و توان بالقوه ده‌ها میلیونی کارگر و زحمتکش زن و مرد در جامعه خفته است.

تعداد بازیکنان بسکتبال دانشگاه اصفهان را مقایسه کنید با ارتش و سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات و حراست و ... جمهوری اسلامی! اما در مقابل می‌بینیم که چند ده جوان ازادیخواه و جسور اراده می‌کنند با خودداری از برگزاری مسابقه، آن نیروی به ظاهر مخوف را به تمسخر بگیرند. این تعرض است. بازیکنان بسکتبال از خود دفاع نکردند، به تعداد کم خود نگاه نکردند. به جامعه میلیونی شان نگاه کردند و به یکی از ارکان جمهوری اسلامی، "زن ستیزی"، تاختند و تعرض کردند. این فقط یک نمونه است. نمونه‌ای از اراده و تصمیم انسان‌هایی که جواب زور را با تو دهنی می‌دهند.

جامعه ما در مقابل فقر و گرسنگی و

بیکاری و دستمزد کم و بی حرمتی و تعرض به آزادی و انسانیتش به تعرض متقابل نیاز دارد. و این ممکن است. می‌شنویم و می‌بینیم که گفته می‌شود: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد". برای این خواست طومارها امضا و صداهایی اینجا و آنجا بلند می‌شوند. این خوب است. اما به هیچوجه کافی نیست. زندانی سیاسی را باید آزاد کرد! به نیروی متحد و طبقاتی و اجتماعی میلیون‌ها انسان متعرض و معترض باید آزاد کرد.

جمهوری اسلامی با تصویب قانون "تعیین جرم سیاسی"، تازه پس از نزدیک به ۴۰ سال تعرض و کشتار و اعدام و شکنجه، به جامعه اعلام می‌کند، تا حالا بدون قانون شما را شکنجه کردیم، زندان کردیم و کشتیم. و حالا برای ادامه این کار قانون هم داریم! "قانون تعیین جرم سیاسی"!! ۴۰ سال می‌کشیم بعد قانونش را هم می‌آوریم!! کلاه تان را قاضی کنید و بگویید، آیا جمهوری اسلامی صلاحیت تعیین مجرم در جامعه را دارد؟ آیا جانی و قاتل و استثمارگر و دزد نان سفره مردم و بیمه‌ی بیکاران و بازنشستگان...، صلاحیت تعیین جرم در جامعه را دارد؟ آیا جمهوری اسلامی که حتی بیرون از مرزهای ایران فعالین سیاسی را از جمله غلام کشاورز، قاسملو، فرخزاد و ده‌ها وصدها انسان دیگر را ترور کرده است و بازهم سودای این جنایت را در سر دارد، مشروعیت و صلاحیت تعیین جرم در جامعه را دارد؟ آیا مردم ایران این جنایات را بخشیده‌اند؟ فراموش کرده‌اند؟ نه.

دیپلماسی کثیف بورژوازی غرب و شعار حقوق بشری که دستاویز معاملات تجاری و سرمایه‌گذاری و سود اندوزی هایشان است، رژیم سرمایه‌داری خودی جمهوری اسلامی را بخاطر کشتارهای جمعی و ترور انسان‌ها در داخل و خارج به محاکمه نمی‌طلبند و می‌بخشند و نه تنها می‌بخشند، بلکه بر جنایاتش سرپوش می‌گذارند و برای وارد کردن آن در کمپ بورژوازی جهانی و نهاد های بانکی و اقتصادی شان از هیچ تلاش و خوش و بش و معامله‌ای فروگذار

نیستند. همه این تجارب نشان داده‌اند که نیروی مهارجمهوری اسلامی، تنبیه جمهوری اسلامی، محاکمه‌ی آن و خاتمه دادن به جنایاتش، نه در جناح‌های اصلاحات و سبز و بنفش است و نه در خارج از مرزها و توسط بورژوازی بزرگ شده‌ی غرب! این نیروی حی و حاضر درون جامعه، در میان طبقه کارگر صنعتی، در میان بیکاران، زنان، جوانان و ... است. و این نیرو تا بحال زخم خورده، گرسنگی کشیده، تحقیر شده، سرکوب گشته و از خودش دفاع کرده است.

و باز تجربه نشان داده است که دفاع کافی نیست. دفاع صرف در هر جنگی و در جنگ با جمهوری اسلامی شکستش قطعی است. جامعه‌ی ما به تعرض نیاز دارد. تعرض‌هایی که تا کنون اینجا و آنجا شده و می‌شود. اگر این تعرض گسترش یابد و تمام گوشه و زوایای جامعه را در بر گیرد، شکست دشمن قطعی است.

جامعه ما، طبقه کارگر، زنان و جوانانی که تا حالا از ذره ذره دستمزد و نان سفره و حرمت انسانی شان دفاع کرده‌اند، ظرفیت و قدرت این تعرض را دارند.

اگر دو تیم ۱۰ نفره بسکتبال می‌توانند به سیاست و رفتار ضد زن رژیم تو دهنی بزنند، چرا تیم‌های بزرگ‌تر فوتبال نتوانند بدون حضور زنان در ورزشگاه از برگزاری مسابقه خودداری کنند و تو دهنی بزنند! چرا ده‌ها هزارانسان حاضر در ورزشگاه نتوانند به اعتراض ممانعت از حضور زنان ورزشگاه را ترک کنند و به عملکرد و سیاست ضد زن و ضد حرمت یک جامعه ۷۰ میلیونی تو دهنی بزنند! اگر چند بسیجی و سلفی بتوانند فضای محلات شهر را مسموم کنند، چرا صدها و هزاران زن و مرد و جوان ازادیخواه و برابری طلب نتوانند فضای محله شان را از این جانوران مفلوک پاکسازی کنند و کنترل محلاتشان را خود بدست گیرند...!

چرا فعالین کارگری و مدنی باید به تنهایی بار زندان و شکنجه و تحقیر را بر دوش کشند و با وجود آن ولو با اعتصاب غذا به دشمن تودهنی بزنند، چرا یک طبقه چند ده میلیونی نتوانند با

اروپای امن و فاشیسم...

تضمین گسترش سکوت و خفقان بر متن سرکوب بی‌محابای هر صدای مخالفی در داخل مرزها، و در کنار آن تخته کردن دروازه قلعه اروپا به روی فراریان از جنگ خاورمیانه تحت نام حفظ "امنیت" و "مقابله با تروریسم"، فاکتورهایی است که نیازمند حاکمیت هر دولت بورژوازی در ترکیه و در تعرض به آزادیخواهی است. در این مسیر، دولت اردوغان بهترین گزینه است و حمایت صبورانه بورژوازی غرب را با خود دارد. با تصویب قانون اخیر، ماشین آدمکشی دولت ترکیه دوباره روغن کاری شد و برای دور دیگری از تعرض و جنایت آماده میشود.

معلوم شد که دخیل بستن به حقوق بشر و پارلمان‌تاریسم جهت حتی کمترین تغییر در زندگی مردم، پوچ و بی معنا است. خاتمه دادن به ناامنی موجود، تامین آزادی، برابری و امنیت واقعی در ترکیه و پایان دادن به مصایب انسانی در این جامعه، امر طبقه کارگر و کمونیستها از آنکارا تا دیاربکر است. تنها یک انقلاب کارگری نیرومند در ترکیه میتواند ورق را برگرداند.

اتحاد خود نه تنها دوستانشان را از بند رها کند، بلکه با تحمیل افزایش دستمزد و عقب نشاندن سیاستهای ضد کارگری به سرمایه داران و رژیم شان تو دهنی بزنند!!

همه اینها ممکن است. طبقه کارگر امروز، انسان امروز به استفاده از اراده و اختیار نیاز دارد. هیچ کس جز خود ما انسان‌ها نمی‌تواند اراده و اختیار را به ما برگرداند. انسان بی اختیار و بی اراده، قربانی است.

هر شب که می‌خوابیم و هر صبح که بیدار می‌شویم، به خود و به هم سرنوشتان و همکاران و دوستان خود بگوییم، "ما به نیروی اتحاد و تصمیم و اراده نه فقط برای دفاع بلکه برای تعرض نیاز داریم" همین امروز، فردا دیر است!

چرا هفته حکمت ...

جنبش های ملی در کشورهایی مانند ایران خود را با کمونیسم تداعی میکردند. دوره ای که کمونیسم پرچم اعتراض همه بود جز طبقه کارگر، دوره ای که کمونیسم یا آنچه به نام کمونیسم معرفی میشود، اعتراض ناراضیان جامعه از افشار مختلف به نام و زیر چتر کمونیسم است.

دوره دوم، دوره بعد از فرو ریختن دیوار برلین و فروپاشی بلوک شرق و شکست آن به نام کمونیسم و پیروزی بازار آزاد است. دوره ای که بخش اعظم آنچه به خود کمونیسم میگفتند، اسم خود را عوض کردند و پرچمهای و شعارهای خود را در جهت آنچه جناح پیروز و بازار آزاد به نام دوره "دموکراسی و پایان کمونیسم" نام میبرد عوض کردند. همه کمونیستهای سابق به اصل خود بازگشتند و لیبرال، دموکراسی خواه، ملی و مذهبی شدند. در هر دو دوره منصور حکمت با احیا مارکسیسم در همه ابعاد آن، تئوری، سیاست، سنت، سازمان، فرهنگ و به جنگ کل این کمونیسم غیرکارگری رفت. از این زاویه اتفاقا معرفی منصور حکمت درپچه ای به معرفی و بازگشت به مارکس و لنین است.

در سالهای ۵۷ تا ۷۲ که جدال اساسا با چپ در ایران بود کمونیسمی که منصور حکمت نمایندگی کرد از خانواده چپ چه از نوع اردوگاهی، روسی و چینی، و چه از نوع چریکی و چگوارائی آن نبود و مستقیم به مارکس و لنین و انقلاب اکتبر وصل بود. این کمونیسم در تئوری و سیاست، در پراتیک اجتماعی، در سنت و سبک کار و در کل اهداف خود، به چیزی کمتر از انقلاب کارگری رضایت نمیداد و از همان روز اول عروج خود، در مقابل کل این چپ و اساسا با نقد عمیق کل بنیادهای فکری، سیاسی و

سبک کاری این چپ در همه عرصه ها عروج کرد، و تحولی عظیم را در کل چپ ایران ایجاد کرد. مباحثی چون "سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی در ایران"، "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی"، "نظری به تئوری مارکسیستی بحران و..."، ظاهرا جدال با چپ سنتی در ایران بود اما این همزمان جدالی با مبانی تئوریک و سیاسی بخش اعظم چپ آندوره در دنیا بود. چپی که یا مائوئیست بود یا طرفدار شوروی، چریک شهری بود یا چپ نویی، چپی که جنبش اعتراض همه بود جز طبقه کارگر، چپی که یا در جنبشهای دیگر غرق شده بود یا با منزله طلبی "کارگری" خود در حاشیه جامعه قرار گرفته بود و منشا هیچ اثری نبود. به همین دلیل مبانی تئوریک و سیاسی نقد این چپ امروز هم معتبر و قابل اتکا است. نقد و جدالی که مارکسیسم و کمونیسم مارکس و لنین را از زیر آوار کمونیسم خرده بورژوایی و بورژوایی بیرون کشید. برنامه یک دنیای بهتر و نقد این برنامه به کاپیتالیسم در همه ابعاد وجودی آن، ادامه نقد مارکس به سرمایه و ادعاینامه طبقه کارگر و کمونیستهای دنیای امروز علیه سرمایه است.

مباحثی که منصور حکمت در نقد تجربه شوروی طرح میکند دیوار "ایرانی" بودن مباحث او را شکست. نقد منصور حکمت از تئوری های غیرمارکسیستی از انقلاب اکتبر و شکست آن با اتکا به تئوری مارکسیستی سرمایه و کارکرد آن در کاپیتال مارکس، گام دیگری در احیا مارکسیسم در مقابل کل کمونیسم بورژوایی حاکم در دنیا بود. بحث "دموکراسی تعابیر یا واقعیت" ادامه نقد لنین به دموکراسی بورژوایی و آلترناتیو دموکراسی پرولتری او است. تشخیص کارکرد امروز ناسیونالیسم و مذهب و باز کردن جبهه جدالی در همه ابعاد آن با این جنبشها را باید در ادامه جدالهای

لنین و مارکس علیه این جنبشهای ارتجاعی دانست. مباحث منصور حکمت در رابطه با دنیای پس از شکست بلوک شرق، دنیای پس از جنگ سرد، تبیین از روندها و تحمیل عقبگردی که بورژوازی پیروز به دنیا تحمیل میکند، تناقضات و معضلات بلوک پیروز پس از پایان دنیای دوقطبی همه و همه نه فقط درافزوده های منصور حکمت به مارکسیسم، تبیینی که امروز هم معتبر است، بعلاوه نشان دادن جبهه های جنگ طبقاتی است در عرصه سیاست، اقتصاد، ایدئولوژی و ... که به روی طبقه کارگر باز شده و آماده و مسلح کردن کمونیستها و طبقه کارگر برای ورود به این جدالها است.

به این اعتبار منصور حکمت کمونیسم مارکس را در دوره معاصر و در تحولات دنیایی ما نمایندگی کرد. متأسفانه کمونیسمی که در بعد جهانی اساسا به فرقه های ایدئولوژیک و نامربوط به مبارزه طبقاتی تبدیل شده است و تئوری مارکسیسم را به آیه های مذهبی تبدیل کرده است. آیه هایی نامربوط به زمان که قرار نیست جواب هیچ کدام از معضلات مبارزه طبقاتی و جدال کارگر با سرمایه را بدهد. این بلایی است که این چپ بر سر لنین و مارکس و انقلاب اکتبر آورده و این بلایی است که در همین دوره بر سر تئوری های منصور حکمت هم می آورند.

نسل جدید کارگران کمونیست و سوسیالیستها در این دوره لازم است که با مارکسیسم و کمونیسم مارکس و تاریخ جنبش خود آشنا شوند. این کمونیسم و متد و جهت مارکس و لنین در این دوره را حکمت نمایندگی کرد. معرفی حکمت و تئوری و سیاست و سبک کار او و تاریخی از ادبیات کمونیستی او در این دوره علاوه بر اینکه یک نیاز جدی جنبش ما است، در دنیای

واقعی معرفی کمونیسم مارکس و لنین هم هست.

منصور حکمت کمونیسم مارکس را در دوره ما نمایندگی کرد. شناخت این رگه فکری در سیاست ایران و حتی جهان، نیاز جنبش ما برای پیشروی است. کمونیسم دوره ما در مقابل خرواری از تولیدات سیاست و تئوری بورژوازی به نام کمونیسم، لازم نیست از صفر شروع کند. کمونیستها خصوصا در ایران یک پشتوانه عظیم مارکسیستی در جدالی همه جانبه با انواع شاخه های کمونیسم بورژوایی را که حکمت در راس آن بود، در همین دوره در دسترس دارند. جنبش ما به حکمت و به شناخت تاریخ خود و جدالهای سیاسی، تئوریک آن نیاز دارد. لذا هفته حکمت از روی تقدیس شخص حکمت و اینکه گویا داریم به منصور حکمت لطفی میکنیم نیست بلکه نیاز جنبش کمونیستی برای پیشروی است. ما به این گنجینه مارکسیستی که حکمت تئورسین، رهبر و نماینده و سخنگوی آن بود احتیاج داریم و نسل خود و نسلهای جوان را باید با آن آشنا کرد.

هفته حکمت با هدف معرفی کمونیسم مارکسی، کارگری و اجتماعی و پراتیک و این رگه فکری معین در این دوره است. تمام تلاش ما در هفته حکمت این است که خود منصور حکمت را به زبان خودش معرفی کنیم. از بازخوانی مستقیم آثار او تا چاپ آثار او از جمله اقداماتی است که ما در این هفته در دستور حزب حکمتیست میگذاریم و از همه دوستان منصور حکمت میخواهیم در دستور خود بگذارند.

به این اعتبار یک بار دیگر همه دوستان حکمت، همه کمونیستها و خصوصا کارگران کمونیست را به بازخوانی حکمت، به شناخت او و به معرفی آثار منصور حکمت دعوت میکنم.

مرکب جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

Mansoor Hekmat Week 2016

4-11 June

در بزرگداشت زندگی پربار

منصور حکمت

هفته منصور حکمت ۱۴ - ۲۱ خرداد



جمهوری اسلامی مسئول جان و سلامت

زندانی سیاسی

عظیم زاده، در مقابل تعرض دستگاه امنیتی، دستگاه قضایی و وزارت اطلاعات و دفتر رئیس جمهور و بیت رهبری، ایستاد.

جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان و سلامت جعفر عظیم زاده است و باید برای هر صدمه جسمی و روحی که همه اعتصاب غذا کنندگان، همه زندانیان، و همه زندانیان سیاسی و مدنی، که در زمان در اسارت بودن متحمل میشوند، پاسخگو باشد.

باید به همه مراجع بین المللی، افکار عمومی در ایران و در خارج کشور، و بعلاوه به قدرت طبقه کارگر برای اعمال قدرت در مقابل این تعرض، رجوع کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

دوم خرداد ۹۵ - ۲۲ مه ۲۰۱۶

”شور رفا، آزادی

و امنیت مردم

ایران
را بدست گیرید!

اعتصاب غذای تعدادی از زندانیان سیاسی، جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد، اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان ایران، و محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران که از روز دهم اردیبهشت سال جاری آغاز شده بود، با اعتصاب غذا و در زندان نگاه داشتن جعفر عظیم زاده، ادامه دارد.

این اعتراض که از جمله در مقابل پرونده سازیهای خطرناک امنیتی وزارت اطلاعات، آغاز شده بود، سرانجام با به وخامت کشیده شدن حال محمود بهشتی لنگرودی و تحت تاثیر فشارهای اعتراضی در داخل و خارج از زندان، جمهوری اسلامی را ناچار به آزادی لنگرودی و عبدی کرد.

در حبس نگاه داشتن جعفر عظیم زاده، و عدم پاسخگویی به مطالبه برحق او و همه گروگانهایی که در اسارت جمهوری اسلامی هستند، تنها و تنها برای مرعوب کردن و ساکت نگاه داشتن پایین، است. تعرض به هر صدای اعتراضی، بخصوص متشکل و متحد، گرو گرفتن جان و سلامت زندانی سیاسی، نه برای امنیت جامعه که تنها و تنها برای حفظ امنیت خود در مقابل تعرض کارگر حق طلب، دختر و پسر آزادیخواه و برابری طلب، کمونیست و سوسیالیست، معلم و دانشجویی است که بیش از این به بی حقوقی، تحقیر، آپارتاید جنسی، و بهره کشی افسار گسیخته از کارگر، رضایت نمی دهد و نداده است.

باید در مقابل این ارباب و گروکشی از جان و سلامت زندانیان سیاسی و از جمله گرو گرفتن جان و سلامت جعفر

برنامه های هفته حکمت ۲۰۱۶

لندن ۱۱ ژوئن

اعظم کم گویان: منصور حکمت - تبلیغ و تهییج کمونیستی
آذر مدرسی: منصور حکمت - کمونیسم اجتماعی و مسئله قدرت

نادیه محمود: منصور حکمت - کمونیستها و فعالیت پوپولیستی

استکهلم ۴ ژوئن

مصطفی اسدپور: کارگران و دستمزدها
مظفر محمدی: کارگران و ناسیونالیسم

۲ الی ۴ بعد از ظهر

Nyangsvagen 39 / Tullinge

تلفن تماس: ۰۷۳۱۵۰۰۰۳

گوتنبرگ ۴ ژوئن

محمد فتاحی: ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

۳۰ الی ۴ بعد از ظهر

Backa Kulturhus / Selma Lagerlofs torg 24

تلفن تماس: ۰۷۳۹۲۴۱۳۸۳

سازمان حزب حکمتیست

حکمتیست

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!